

فاطمه دهنوی سال هاست به واسطه کارهای خیرش در محله شناخته می شود

شیبه برادران شهیدش

۵۰۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

خاطرات حمید صادقیان
با بازار حجاب ۷۹ گره خورده است
عطر نان، یادگار شهید محله

۶



۳ اهالی خیابان شهید فلاحی ۲۰۱ از رفتار نامناسب برخی مغازه دارها در تخریب سنگ فرش ها گلایه دارند
بی ملاحظگی در نگهداری اموال عمومی

۷ سیزدهمین کتاب سرهنگ قاسم کریمی
رزمنده محله لشکر به چاپ رسید
۳۰ سال بعد، در «سنگر نوک»

همسایه به همسایه، دیدار بیست و هشتم، خیابان دلاوران ۱۳

اردو رفتن با همسایه ها

فهمیه شهری بسیاری از همسایه های خیابان دلاوران ۱۳ در محله سرافرازان یکدیگر را می شناسند و احوالپرس هم هستند. نزدیک بودن آن ها به مسجد سید الشهدا^(ع) باعث شده است که خیلی وقت ها آنجا دور هم جمع شوند. گپ و گفت داشته باشند و برنامه های مختلف بربزند. در این بین، اعظم خانم اصفهانیان چهره ای آشنا بین همسایه ها است. همه او را به اردو ها می شناسند که برای اهالی برگزار می کند. برای مثال، همین چند ماه پیش هفت اتوبوس هماهنگ کرد و دسته جمعی راهی روستای فرخشدند. خاطرات این اردو ها برای اهالی با اعظم خانم گره خورده است.

● ○ احوالپرسی در طبیعت

فرخند، میامی، دشت بهشت، شاندیز و... جا هایی است که اعظم خانم اصفهانیان هماهنگ کرده و همسایه ها و اهالی را برای تفریح به آنجا برده است. تعداد متقاضیان این طبیعت گردی ها این قدر زیاد است که چندین اتوبوس می شوند. اعظم خانم بدون هیچ چشمداشتی این هماهنگی ها را انجام می دهد. به نظر او این اردو ها علاوه بر تجدید روحیه، راهی است برای احوالپرسی و دید و بازدید همسایه ها. اعظم خانم می گوید: خیلی وقت ها ممکن است همسایه مان کار یا مشکل خاصی نداشته باشد، ولی همین که به هم سر بزنیم و از حال هم خبر داشته باشیم، باعث می شود کسی احساس تنهایی نکند. به نظر او، همسایه خوب باید خوش اخلاق و صادق باشد و در مواقع لزوم حوائج همسایه اش را برطرف کند. اعظم خانم معتقد است گاهی همسایه ها قدر هم را نمی دانند، اما وقتی از هم دور می شوند، می فهمند که چقدر به درد هم می خورند.



● ○ تسلی دل همسایه ها

اعظم خانم، منصوره نجمی را به عنوان یکی از همسایه های خوبشان معرفی می کند و می گوید: خیلی وقت ها که مهمانی دارم، منصوره خانم زودتر می آید که کمک کند. وقت هایی که بیمارم، برایم سوپ درست می کند و می آورد. منصوره خانم می گوید: وقت هایی بوده است که اعظم خانم با همسایه های دیگر کلیدشان را یادشان رفته است و پشت در مانده اند؛ من خودم را می رسانم و نمی گذارم که در خیابان بمانند. علاوه بر این در جشن ها و اردو ها هم حضور فعالی دارم و هر کاری از دستم برآید انجام می دهم، مثلاً در پخت غذا و کیک، کمک حال اعظم خانم هستم.

منصوره نجمی ۲۸ سال است که در این محل سکونت دارد و دوسوم عمرش را اینجا بوده است. او آن قدر از همسایه هایش راضی است که به خاطر آن ها دوست ندارد از این محله برود. به نظر او، ارتباطات همسایگی آرامش بخش است و کمک می کند همسایه ها تسلی دل یکدیگر باشند.

● ○ پای دیگ بیدار ماندن برای همسایه ها

منصوره خانم، معصومه قدسی را به عنوان یکی از همسایه های خوبشان معرفی می کند و می گوید: او خیلی مهربان است. هر کاری از دستش بر بیاید، بدون منت انجام می دهد. دست پخت خوبی هم دارد و وقتی می خواهیم در مناسبت ها آش یا غذاهای دیگر را درست کنیم، قبول زحمت می کند. خیلی وقت ها با اینکه تا ساعت ۱۲ شب پای دیگ است، باز صبح زود، برای نماز بیدار می شود و مجدد پای دیگ می آید تا همسایه ها از آش های خوشمزه اش لذت ببرند. معصومه خانم قدسی که خیلی از همسایه هایش راضی است، تعریف می کند: پسر م که بیکار بود، همسایه ها مدام دل داری ام می دادند و می گفتند که خدا بزرگ است. از آخر هم خودشان دست به دست هم دادند و برایش کار پیدا کردند. وقتی پسر م برای خودش درآمدی داشت، باز همین همسایه ها بودند که آستین بالا زدند و با انتخاب یک دختر خوب، دامادش کردند. خدا خیرشان بدهد. نمی گذارند احساس تنهایی و غریبی کنیم.



ریاحی اشهردار منطقه ۹ مشهد از کاهش ۲۱ درصدی جمع آوری سگ های ولگرد طی شش ماهه نخست امسال نسبت به بازه زمانی مشابه سال گذشته خبر داد. سعید حسینی زاده مقدم در این باره گفت: در راستای اجرای طرح سامان دهی حیوانات مزاحم، تعداد ۴۰۳ قلاده سگ در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴ از معابر و فضاهای عمومی این منطقه جمع آوری و به مراکز مجاز منتقل شده اند.

وی افزود: این در حالی است که در مدت مشابه سال گذشته یعنی بازه شش ماهه نخست سال ۱۴۰۳، تعداد ۵۱۵ قلاده سگ در این منطقه جمع شده بود که نشان دهنده کاهش ۲۱ درصدی در روند جمع آوری سگ های ولگرد نسبت به سال قبل است.

مقدم افزود: این اقدام به منظور پیشگیری از بروز بیماری های خطرناکی همچون هاری و بیماری سالک صورت گرفته است. به گفته شهردار منطقه ۹، این کاهش نتیجه افزایش آگاهی شهروندان، بهبود روش های کنترل جمعیت حیوانات و همکاری مناسب شهروندان با سامانه ۱۳۷ در گزارش دادن موارد مشاهده شده است. شهرداری منطقه ۹ مشهد از شهروندان خواست در صورت مشاهده حیوانات مزاحم، موضوع را به سرعت از طریق سامانه ۱۳۷ اطلاع دهند تا اقدامات لازم در کوتاه ترین زمان ممکن صورت گیرد.



طی ۶ ماهه نخست امسال جمعیت سگ های مزاحم منطقه ۹ کاهش یافته است

چند قدم دورتر از بیماری های هاری و سالک

پرنشاط کردن روز سالمندان «نشاط»

در هفته ای که گذشت، جمعی از اهالی و اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه ۹ با حضور در خانه سالمندان نشاط، با ۴۵ نفر از افرادی که در این مکان زندگی می کنند، دیدار کردند و با اهدای گل و شیرینی، لحظاتی صمیمی و پرمهر را رقم زدند. این برنامه با هدف ترویج فرهنگ احترام به سالمندان و گسترش روحیه همدلی و مهربانی در شهروندان برگزار شد.

دوره می برای سلامت دانش آموزان

نشست شورای بهداشت مدارس با حضور جمعی از مدیران، معاونان و رابطان بهداشت مدارس محلات طالقانی، زکریا، نوفل و رضا شهر در مجتمع شهدای سلامت برگزار شد. در این نشست، برنامه های بهداشتی و آموزشی از جمله پیشگیری و کنترل بیماری ها، اجرای طرح فلوراید ترابی، مراقبت های سلامت دانش آموزان، آموزش بهداشت فردی و تغذیه سالم بررسی شد.

ترو خشک را با هم نسوزانیم

به منظور ارتقای سطح مدیریت پسماند و تفکیک مؤثر زباله های شهری، برای نخستین بار در منطقه ۹، طرح آزمایشی جمع آوری پسماند خشک و تر به مرحله اجرا درآمد. هدف از اجرای این طرح، ارزیابی نحوه عملکرد، کارایی نیروها و تجهیزات در اجرای تفکیک پسماند از مبدا است. در اجرای این طرح، تعداد هشت دستگاه خودرو جمع آوری پسماند به کار گرفته شده است.





اهالی خیابان شهید فلاحی ۲۰،۱ از رفتار نامناسب برخی مغازه دارها در تخریب سنگ فرش ها گلایه دارند

بی ملاحظگی در نگهداری اموال عمومی

رضاریاحی ادرقلب محله لشکر، معبر فلاحی ۲۰،۱ به «راسته اسباب بازی فروشی ها» شهرت دارد. جایی که کودکان و خانواده ها هر روز برای خرید و گشت و گذار به آنجا می آیند. در این میان، بولاردهای ترافیکی، حصاری امن میان پیاده راه و خیابان ایجاد کرده و باعث ایجاد فضای امنی برای عابران پیاده شده است.

اما مدتی است که امنیت و زیبایی این معبر در معرض تهدید است. زیر برخی از فروشندگان به دنبال جای پارک برای خودروهایشان، بولاردها را تخریب و پیاده راه را به پارکینگ تبدیل می کنند. این رفتار نه تنها به زیرساخت های خیابان آسیب می زند، بلکه امنیت و آرامش اهالی را به خطر می اندازد.



محسن کاشانی که خودش در این راسته مغازه دارد، با گلایه از اهالی و فروشندگان معبر می گوید: این راسته پاتوق بچه ها شده است و خیلی از خانواده ها برای خرید و پیاده روی به این محل می آیند. نمی دانم چرا بعضی از همکاران ما قدر نمی دانند و خودشان، به معبر آسیب می زنند. آقا محسن سنگ فرش های کنده شده در خیابان را نشان می دهد و می گوید: با تخریب هر بولار بتنی، حداقل ۱۰ سنگ فرش اطرافش تخریب می شود. درست کردن این ها هم زمان زیادی می برد و هم هزینه اضافه روی دست شهرداری می گذارد.

کاشانی از شهرداری می خواهد که بولاردهای ترافیکی کنده شده و سنگ فرش های تخریب شده مرمت شود و اگر فروشگاهی اقدام به تخریب مجدد آن ها کرد، خسارت و جریمه برایش در نظر گرفته شود.

● برخورد قاطع شهرداری با متخلفان

برای رسیدگی به موضوع بولاردها و سنگ فرش های تخریب شده خیابان فلاحی ۲۰،۱ با رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۱۰ گفت و گومی کنیم. مسعود کتابداری در این باره به ما می گوید: بار اول نیست که بولاردها و سنگ فرش های راسته اسباب بازی فروشی ها تخریب می شود و شهرداری هر بار بنا بر خواسته اهالی، این تخریب ها را مرمت کرده است.

او با اشاره به اینکه از این مکان بازدید خواهد کرد، تأکید می کند: امکان مرمت مجدد خیابان وجود دارد، اما براساس قانون برای فروشگاه هایی که اقدام به تخریب بولاردها و سنگ فرش ها کنند، جریمه در نظر می گیریم.

کتابداری تصریح می کند: از اهالی می خواهیم برای معرفی فروشندگان متخلف به سامانه ۱۳۷ اقدام کنند.

● آسیب زدن به بولاردها با نیسان

راسته اسباب بازی فروش ها جزو پروژه های اجتماع محور شهرداری محسوب می شود و از سال گذشته، طرفداران بسیاری را به خودش جلب کرده است. یکی از اهالی این معبر، خودش را به ما می رساند و با نگرانی می گوید: هر روز یک تکه دیگر از پیاده رو کنده می شود و همین موضوع ظاهر خیابان را زشت کرده است.

سهیل نوری ادامه می دهد: خیابان فلاحی ۲۰،۱ راسته جذابی برای کودکان است؛ زیرا هم اسباب بازی فروشی دارد و هم فروشگاه های نواشت افزار. نگاه به خلوتی الانش نکنید؛ نزدیک ماه مهر اینجا جای سوزن انداختن نبود.

او توضیح می دهد: به دلیل تردد کودکان، شهرداری تصمیم گرفت فضای پیاده راه را در این معبر تعبیه کند. نشیمن و روشنایی هم در نظر گرفتند و با بولاردهای بتنی، محل تردد عابران پیاده را از خیابان اصلی جدا کردند. اما بعضی از فروشندگان دوست دارند خودرو خود را درست جلوی فروشگاهشان پارک کنند یا محلی برای تخلیه بار داشته باشند؛ به همین دلیل با نیسان آبی، دنده عقب می آیند و با فشار بر بولاردهای ترافیکی، آن ها را از جامی کنند!! اصلا هم برایشان مهم نیست که چهره خیابان زشت می شود و امنیت اهالی به خطر می افتد.

● تخریب بولاردها، سنگ فرش ها را از بین می برد

بولاردهای ترافیکی ریشه ای ۱۰ سانتی متری در زمین دارند، یعنی با کندن آن ها، سنگ فرش های اطراف بولاردهای ترافیکی هم تخریب می شود و این یعنی قوز بالای قوز.

رقابت های والیبال آقایان المپیا دورزشی محلات منطقه ۱۰ به پایان رسید

برترین های پشت تور

ریاحی مسابقات والیبال آقایان از سری مسابقات شانزدهمین المپیا دورزشی محلات منطقه ۱۰ که با حضور هفتاد تیم در سه رده سنی نوجوانان، جوانان و امید برگزار شد، پس از پانزده روز رقابت، در مجموع ه های ورزشی شهدای پاکبان و میثاق به پایان رسید. در این رقابت ها و در رده سنی نوجوانان، تیم های البرز، ارشاد و پیشگامان به ترتیب مقام های اول تا سوم را به دست آوردند. در رده سنی جوانان، مقام های برتر به تیم های ارشاد نوین، پیشگامان شرق و اتحاد رسید و در رده سنی امید هم تیم های پرش، مردان آریایی و شهر بهشت رتبه های اول تا سوم را از آن خود کردند.



زیاسازی معابر منطقه ما

به منظور بهبود سیما و منظر شهری، در شش ماهه نخست امسال، ۷۰ هزار متر طول از جداول و المان های شهری در منطقه رنگ شده است. رنگ آمیزی ۱۶۷ پایه تابلو معابر شهری و ترافیکی و پاک سازی ۶۵۱ متر مربع از دیوار نوشته های تبلیغاتی شامل تراکت ها، پوسترها و اطلاعاتی هایی که موجب نازیبایی چهره شهر شده بودند، از دیگر اقدامات شهرداری منطقه ۱۰ بوده است.

فوتبال یست ها به خط شدند

مسابقات فوتبال شانزدهمین المپیا دورزشی محلات منطقه ۱۰ در بخش آقایان با حضور ۱۸۸ تیم در مجموع و ورزشی شاهد و میثاق برگزار شد. در پایان این رقابت ها و در رده سنی نونهالان، تیم های علم و ورزش، دلاوران و ستارگان دوست آباد به ترتیب مقام اول تا سوم را کسب کردند. در رده سنی نوجوانان تیم های علم و ورزش، آبی پوشان و پیشتازان و در رده سنی جوانان، تیم های قائم (۱۳۶)، آزادی و ذکر (الف) اول تا سوم شدند.

جمع شدن بساط دست فروش ها

شهرداری منطقه ۱۰ از صد و بیش از ۲ هزار و ۱۷۰ خطریه سد معبر از ابتدای سال جاری تاکنون در این منطقه خبر داد. جمع آوری ۴ هزار و ۴۰۰ بنر تبلیغاتی و تابلو غیر مجاز و ناهمگون و برچیده شدن بساط ۶۲۸ دست فروش به منظور رفع سد معبر از جمله اقداماتی است که شهرداری منطقه ۱۰ در راستای سامان دهی چهره شهری انجام داده است.

شهر خبر



فاطمه دهنوی سال هاست به واسطه کارهای خیرش در محله شناخته می شود

شبه برادران شهیدش

زهر از ننگه اوقتی زنگ خانه رامی زنیم، بدون اینکه چیزی پیرسد، در را باز می کند. صدای بانویی می آید که می گوید: «بفرمایید»، بدون آنکه بداند چه کسی قرار است داخل حیاط و خانه شود! در اولین برخورد منتظر است تا خودمان را معرفی کنیم و کارمان را بگوئیم. او در طول هفته با آدم هایی مواجه است که از سر نیاز به خانه اش می روند تا از او برای امور زندگی مدد بگیرند. این بار هم انتظار چنین اتفاقی را دارد. بعد از اینکه خودمان را معرفی می کنیم، فاطمه خانم دهنوی می گوید: خوش آمدید: منتظر تان بودم ولی حواسم باز به کار اهالی محله رفت. حاج خانم در هفتمین دهه حیاتش، هم خوش روست و هم سرپا. او خواهر دوشهید است و نام نیکش در محله ایثارگران، ما را به منزل او کشانده است.

از محفل قرآنی تا پاتوق همدلی

فارغ از اینکه فاطمه دهنوی این افتخار را دارد که خواهر دوشهید است، او را به واسطه قدم های خیری که در محله برداشته است، می شناسند. یک محله ایثارگران است و یک نشانی سراسر است که هرکسی کارش گره بخورد به آنجا می رود، خانه خانم دهنوی! دوستان و آشنایان محلی برایش احترام زیادی قائل هستند و به او لقب «مادر محله» را داده اند؛ مادری که دغدغه همسایه ها و هم محلی ها را دارد. اگر نسخه بیماری برای تأمین پول در خانه ای بماند به دست او می رسانند تا دارو را تهیه کند. اگر نوع عروسی گیر جهیزیه باشد، از این طرف و آن طرف جهیزیه آبرومندی برایش تأمین می کند. اول مهر فکر دفتر و قلم بچه های مدد جوست و هر دو ماه هم با همسایه ها و نیکوکاران همدل می شوند و بسته های معیشتی برای بیش از صد خانواده تأمین می کنند. حاج خانم دهنوی حکم نخ تسبیح را برای مدد جو و نیکوکار دارد. با آنکه وسع مالی اش فراخ نیست، هر چه را بتواند خودش تأمین می کند و هر جاماند، سراغ نیکوکاران می رود. این بانو می گوید: خدا را شکر کاری که با چند بسته خوراکی شروع شد، حالا ذیل نام خیریه ولیعصر (عج) و مسجد محله که به همین نام است، به جاهای خوبی رسیده که باعث شده خنده و شادی در محله مابین آدم ها تقسیم شود. خانه فاطمه دهنوی یک پایگاه محلی است؛ پایگاهی که به وقت نیاز، می شود محفل قرآن و دعا و روضه و به وقت کارهای خیریه یک پاتوق همدلی برای هم محلی ها!

ایثار، فرهنگ خانوادگی دهنوی ها

از در حیاط گرفته تا درون خانه، همه چیز نشان از این دارد که وارد یک خانه متفاوت شده ایم. سردر حیاط مزین است به پلاک شهید عباسعلی دهنوی و تابلو برگزاری جلسات قرآنی و فرهنگی. روی میزهای وسط خانه پر شده از کتب ادعیه. در گوشه خانه هم وسایل جهیزیه نوع عروسی چیده شده است. فاطمه دهنوی در بیست و سه سالگی ساکن این محله است، وقت و توانش را وقف همسایه ها و نیازمندان کرده است. او در خانواده ای بزرگ شده که ایثار، بخشی از فرهنگ آن هاست.

حاج خانم می گوید: حدود سی سال داشتم که جنگ شروع شد. دو برادر، عباسعلی و علی، به جبهه رفتند. علی در هفده سالگی شهید شد و عباسعلی در سی و دو سالگی. اما ما درم خم به ابرو نیاورد و بعد از آن برادر دیگرم و پدرم هم به جبهه رفتند و جانبا شدند. فاطمه خانم درباره برادران شهیدش می گوید: عباسعلی با من هم سن و سال

بود و بیشتر به هم نزدیک بودیم. همیشه از روستای دهنو نیشابور به مشهد می آمد و بعد از راه آهن بدرقه می کردم. علی هم همین طور. وقتی جنگ شد، به چیزی جز دفاع از ایران فکر نمی کردند. همیشه هم به من می گفتند «خواهر به فکر کار مردم و کار جهادی باش؛ از کار خیر غافل نشوی». من همین حرف را همیشه گوشم کردم.



حاج خانم مایه افتخار ماست

فاطمه دهنوی در طول این گفت و گو بارها از همسرش یاد می کند که در این سال ها همراه و همدل او بوده است. عباسعلی دهنوی، پسر عمه فاطمه خانم و هم نام برادر شهیدش است. او که در روزگار دفاع مقدس هم رزم شهید عباسعلی دهنوی بوده است، به خاطر دارد که چگونه پسردایی اش او را دعوت به حضور در جبهه کرده بود و چطور در گردان تحت فرماندهی شهید عباسعلی برای دفاع از وطن می جنگید. آقا عباسعلی از دغدغه های اجتماعی همسرش این گونه یاد می کند: روحیه عجیبی دارد. یک وقت هایی می بیند همسایه ای، آشنایی مشکلی دارد، واقعا خواب و خوراک ندارد که کار بنده خدا انجام شود. او ادامه می دهد: خیلی وقت ها پیش آمده است که وارد خانه شده ام و خانه پر از وسایل و چیزیه بوده است. اصلا وضعیتی بوده است! چیزی نگفته ام و با خودم نیت کرده ام که چون برای رضای خداست، کل زندگی در اختیار ایشان باشد. یابیش آمده که وقتی جلسات خانگی برگزار کرده اند، دیرتر و زودتر آمده ام یا رفته ام که مزاحمشان نباشم. به خاطر نیت ایشان، خیر و برکت زیادی در زندگی ما جاری شده که همین برای ما پس است.



خالصانه و بی منت برای محله

حاج خانم دهنوی در مسیر کارهای خیر محلی، همسایه هایی دارد که به خوبی همراهی اش می کنند و او را به خوبی شناخته اند. فرشته بینا یکی از اهالی محله است که بیست سالی می شود همسایه فاطمه خانم است. او در توصیف خیررسانی خواهر شهیدان دهنوی به اهالی محله می گوید: اولین قدم خیری که حاج خانم دهنوی در این محله برداشت، آموزش قرآن و راه اندازی جلسات قرآنی بین بانوان بود. این جلسات که از پارکینگ منزل ما شروع شد و الان در مسجد و خانه حاج خانم برگزار می شود، همه جوره سبب خیر است. به گفته فرشته بینا این جلسات قرآنی مایه برکت برای محله است. او می گوید: همین دوره می قرآنی که حاج خانم شروع کرده اند باعث می شود کلی از مشکلات اهالی باگفت و گو و هم فکری و یاری یکدیگر برطرف شود.

دل همسایه ما دریاست

وقتی یکی دیگر از همسایه های فاطمه خانم قرار است درباره این بانو صحبت کند، این طور شروع می کند: حاج خانم مادر محله ماست. گل اندام محمدی می گوید: در این کوچه و خانه های دور و بر ما هر کسی در زندگی اش برای کاری لنگ بماند، در خانه حاج خانم رami زند. در این خانه به روی همه همسایه ها باز است و حاج خانم و حاج آقا باروی گشاده کار مردم راه می اندازند. همسایه بیست ساله فاطمه خانم درباره روی خوش او با بچه های می گوید: خیلی از جوانان دختر و پسر محله ما هستند که در جلسات خانه حاج خانم بزرگ شده اند. خانم دهنوی با این بچه ها رفتار مادرانه ای داشتند و دارند و همین باعث شده است که خیلی مورد احترام نسل جوان باشند. او سعی کرده است علاوه بر جریان خلأ های مادی، همسایه های نیازمند به تقویت روحی و روانی را هم کمک کند؛ چون دل خودش دریاست و روحیه ای قوی دارد.

۲۵ سال است آموزش قرآن را تعطیل نکرده ام

حاج خانم دهنوی در این سال ها درگیر کارهای خیر پرشماری شده است اما کماکان رسالت اصلی خود را آموزش قرآن و تفسیر مفاهیم آن می داند. این بانو که تحصیلات مکتبی دارد، در این سال ها راه مادر و پدر بزرگش را ادامه داده است. او می گوید: پدر بزرگ مادری ام ملا بود. مادرم هم روضه می خواند و قرآن قرائت می کرد. من هم از همان سن کم، دل به قرآن دادم و الان بیست سال است که جلسات آموزش و تفسیر قرآن تعطیل نشده است. بر سر در خانه خانواده دهنوی تابلویی نصب شده است با عنوان «کانون فرهنگی تبلیغی آل یاسین» که نشان از فعالیت های فرهنگی و قرآنی پررنگ این بانو دارد. خودش می گوید: این تابلو را از خود سازمان تبلیغات اسلامی آموخته و نصب کردند. وگرنه ما سال هاست که بدون تابلو هم کاری را که وظیفه می دانیم، انجام می دهیم. او ادامه می دهد: همه این امور با قرآن معنی پیدا می کند؛ برای من و همسرم قرآن یک اصل است چون معتقدیم نشانه برکت در زندگی ماست.

حمایت از حریم خانواده در محله

در میان کارهای خیر پر شمار فاطمه دهنوی و هم محلی هایش، یک کار پررنگ تر است. آن ها صفر تا صد امور مربوط به ازدواج جوانان را پی می گیرند تا خوشبختی و سفید بختی را به دختران و پسرانی که در محله می شناسند، هدیه کنند. حاج خانم می گوید: در محله ما و خیلی از نقاط شهر، جوانان بسیاری هستند که شرایط ازدواج را ندارند اما به خاطر ترس یا اینکه اعتماد به نفس ندارند، اقدام نمی کنند. در این سال ها که در محله ایثارگران هستیم، با همراهی همسایه ها خیلی از جوانان و خانواده ها را برای کار خیر به یکدیگر معرفی کرده ام که خوشبختانه منجر به وصلت شده است و همه آن ها هم که می شناسیم، خوشبخت هستند. اهالی نیک اندیش این محله از معرفی عروس و داماد گرفته تا عقد و محضر و خیلی کارهای دیگر را پی می گیرند تا میاداد این میان کم و کسری باشد. اساسی ترین بخش کار هم که تهیه چیزیه است، با درایت فاطمه خانم و همراهانش پیش می رود. در همین روزی هم که ما مهمان خانه اش شده ایم، گوشه خانه اش پر است از وسایل نوچیزیه که برای زوج های جوان مهیا کرده است. او می گوید: بدون همراهی همسایه ها و همدلی همسرم این کارها شنی نیست. البته ما بعد از ازدواج هم هوای این عزیزان را داریم. در خانه، کلاس های سبک زندگی، مدیریت روابط زناشویی و یا تحکیم فضای خانواده برگزار می کنیم که حال و هوای خوب زندگی شان همیشه برقرار باشد و این طوری از حریم خانواده حمایت کنیم.

کار خیر زمین نمی ماند

وقتی از حاج خانم درباره تأمین هزینه ها و پای کار آوردن خیران می پرسیم، می گوید: کار خیر زمین نمی ماند! او ادامه می دهد: مهم ترین بخش کار جلب اعتماد است. خدا را شکر به واسطه سال های طولانی فعالیتیم در محله، من رami شناسند و به همین دلیل هم خیران و نیکوکاران اعتماد می کنند. از همه مهم تر، خداوند در این میان همه چیز را کنار هم می چیند. حالا خودش هم به ما آبرویی داده است که رابط این امور باشیم. خواهر شهیدان دهنوی ادامه می دهد: پیش آمده برای هزینه و واسطه یک کار انسانی چند روز و چند هفته ای معطل شویم اما بالاخره انجام شده است؛ چون آن کسی که مشکلی دارد، خدایی هم دارد و ما واسطه هستیم تا کار آن بنده خدا انجام شود. این بانوی نیک اندیش و پای کار محله درباره شناسایی مددجویان محلی می گوید: آن ها که در این محله هستند و نیازی دارند، نشانی این خانه را بلدند. بعد از اینکه مراجعه می کنند یا کسی معرفی می کند، اگر شناخت داشته باشیم، کار را انجام می دهیم و اگر نتوانیم، بررسی و پرس و جو می کنیم. اگر واقعا نیازمند باشد، پیگیری می کنیم که کارش انجام شود.

آبرو و اعتبار کار خیر، ما را پس!

دست حاج خانم در این سال ها به امور خیر متفاوتی باز شده است. به قول یکی از همسایه هایش سرش درد می کند که بیفتد دنبال کار این وان! اما خودش وقتی قرار است از اهداف زندگی دنیوی و نیاتش بگوید، جور دیگری به قضیه نگاه می کند. مادر محله ایثارگران می گوید: خداوند به من شش فرزند داده است. در زندگی شان کم و کسر هست اما آبرو مند زندگی می کنند. چه چیزی بهتر از این می خواستیم؟ برکت هم که تادلتان بخواهد در زندگی ما دیده می شود. با حقوق بازنشستگی همسرم زندگی می کنیم و خدا را شکر در محله آبرو و اعتباری داریم که همین برای ما پس است. او با تأملی کوتاه ادامه می دهد: خدا کند که بتوانسته باشم ذره ای شبیه برادران شهیدم عمل کرده باشم. در نگاه حاج خانم همه امور خیر و دستگیری از اهالی محله به یک اندازه مهم است. اما خودش معتقد است یاری رساندن به افرادی که در بستر بیماری هستند، یا برای امور درمانی و دارویی نیاز به کمک دارند، حال بهتری نصیب انسان می کند و دعای آن فرد در حق بانی کار کاملاً در زندگی حس می شود.

خاطرات حمید صادقیان با بازار حجاب ۷۹ گره خورده است

عطر نان، یادگار شهید محله

محله گردی

ایستگاه اول

فهمیه شهری اسال ۱۳۸۵ که حمید صادقیان به حجاب ۷۹ کنونی (حجاب ۷۷ سابق) پا گذاشت، بیشتر آن محدوده، زمین های رها شده بود. او و برادرش یکی از همین زمین ها را خریدند تا خانه و مغازه ای بسازند و امور زندگی شان را بگذرانند. حالا این معبر یکی از بازار محله های پررفت و آمد است و حمید آقای سی و نه ساله یکی از کسبه قدیمی آن به شمار می رود. خاطرات او با این بازار بیشتر از هر چیز، از جنس کسب و کار است. به قول خودش از ۸ صبح تا ۱ شب با کسبه و مردم این محل معاشرت داشته و این هم نشینی خاطرات مختلفی برایش رقم زده است.



بین شهید قاسمی ۱۰ و ۱۲ قبل از مغازه لباس فروشی علی آقای مؤمنی بود. کسبش رونقی نداشت، اما خدا چنان برکتی به مالش داده بود که با همان، ازدواج کرد و خانه گرفت. هر وقت معیشت بر من تنگ می شود، علی آقا از نظرم می گذرد و از خدا می خواهم برکت به مالم دهد.

مغازه آقا فرهاد، بین شهید قاسمی ۸ و ۱۰، قبلاً عروسک فروشی بود. هر وقت می خواستم به خانه یکی از خواهرها یا برادرانم بروم، از اینجا برای بچه هایشان اسباب بازی می خریدم. خودم که بچه دار شدم، آقا فرهاد، مغازه اش را به سوپرمارکت تغییر داد.



ایستگاه دوم

ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۳ در کوچه شهید قاسمی ۹ خوار بار فروشی داشتم و در اعیاد شربت می دادم. بعد از مدتی مجبور شدم دیگ شربت را جمع کنم اما باقی کسبه پای کار آمدند و نه تنها نگذاشتند این روال حذف شود، بلکه با کمک های خودشان، خوراکی هایی همچون بستنی و شیرکاکائو اضافه شد.



ایستگاه پنجم

قدیم در حجاب ۸۱ چهارشنبه بازار دایر می شد. من فضای آن را دوست داشتم و با خانواده می رفتیم دور می زدیم. یک پارچه لباسی از آنجا برای مادرم خدایا مرز خریدیم که عمرش کفاف نداد و نتوانست آن را بدوزد و بپوشد.



ایستگاه ششم

از حدود سال ۸۷ تا ۹۳ در طبقه بالای فروشگاه افق کوروش، تالار عروسی بود. وقتی در آن مجلس می گرفتند، صدایش در تمام کوچه می پیچید. کسبه این قدر از این موضوع ناراحت بودند که هیچ کدام مراسمشان را در اینجا برگزار نمی کردند. آخر هم جمع شد.

شهید حسن قاسمی که در سوریه شهید شد، رفیق ما بود. این نانوايي (بین قاسمی ۷۵ و ۷۶) را او دایر کرد. بعد از شهادتش، پدر و برادرش آن را می گردانند. این معبر هم به خاطر او «شهید قاسمی» نام گذاری شده است.





برای مطالعه آخرین
گفت و گوی سرهنگ
قاسم کریمی با
شهرآرامحله کد را
اسکن کنید.



سیزدهمین کتاب سرهنگ قاسم کریمی، رزمنده محله لشکر به چاپ رسید

۳۰ سال بعد، در «سنگر نوک»

۱۰



دیدار آشنا

● بازنگری و تجدید چاپ اولین کتاب

سرهنگ کریمی سال ۹۹ نوشتن این کتاب را شروع کرد اما چون در اثر یک سانحه تصادف با مشکلات متعدد جسمی مواجه شد، تألیف کتاب به تعویق افتاد و در نهایت امسال به مرحله نشر رسید.

او می‌گوید: محتوای این کتاب برگرفته از خاطرات علیرضا مولوی در رفت و آمد از کردستان به خراسان، گرمای جنوب و مجروحیت در سومار و فکه و... است.

به نظر کریمی برخی خاطرات این کتاب و دیگر کتاب‌هایش این قدر جذاب است که حتی قابلیت فیلم‌سازی را دارد. این بازنشسته ارتش توضیح می‌دهد: «سنگر نوک» که برای اسم کتاب انتخاب شده به معنی نزدیک‌ترین سنگر به دشمن است و برگرفته از موقعیت جغرافیایی خاطرات در عملیات هاست.

این کتاب در ۲۵۰ صفحه و تیراژ پانصد جلد توسط هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی منتشر شده است.

علاوه بر این، در هفته دفاع مقدس، اولین کتاب سرهنگ کریمی چاپ مجدد و در مسجد صاحب‌الزمان (عج) محله لشکر رونمایی شده است. او می‌گوید: در چاپ اول کتاب «گردان ۱۱۰ در نبرد هشت ساله» کم تجربه بودم و تصاویر آن طور که دلم می‌خواست، نبود. امسال آن را بازنگری و با عکس‌های جدیدی تجدید چاپ کردم، طوری که اکنون باب میل شده است.

به درجه جانبازی رسیده است، تعریف می‌کند: در زمان جنگ با علیرضا مولوی در یک گردان بودیم. بعد از اتمام جنگ، او به تهران رفت و من ساکن مشهد شدم. سی سال بعد، یعنی حدود سال ۹۹ مطلع شدم که علیرضا به مشهد آمده است. از طریق یکی از دوستان قراری با هم گذاشتیم و در پارک فلاحتی ۳۸ یکدیگر را ملاقات کردیم.

در این دیدار سرهنگ متوجه می‌شود که علیرضا دفتر خاطراتی از زمان جنگ دارد. برحسب علاقه آن را می‌گیرد و مطالعه می‌کند. او می‌گوید: علیرضا قلم بسیار زیبایی دارد. در روایت‌هایش دیدم به زیبایی از وسط جبهه و جنگ، وارد مسائل خانوادگی شده است. به نظرم آمد می‌توان خاطراتش را تبدیل به کتاب کرد. این پیشنهاد را به او دادم و قبول کرد.



فهمیده شهری سال ۸۵ که سرهنگ قاسم کریمی بازنشسته شد، به نوشتن خاطرات زمان جنگ رو آورد و اولین کتابش را در همین سال با عنوان «گردان ۱۱۰ در نبرد هشت ساله» منتشر کرد. جناب سرهنگ تا خرداد سال ۱۴۰۰ که با او گفت و گو کردیم، دوازده جلد کتاب را به رشته تحریر درآورده و به چاپ رسانده بود.

حالا حدود ۲ هفته پیش، سیزدهمین کتابش با نام «سنگر نوک» به بازار آمد. به همین بهانه دوباره سراغ رزمنده محله لشکر رفتیم. رزمنده‌ای که با آغاز جنگ هشت ساله ایران و عراق، همراه هم‌زمانش در لشکر ۷۷ خراسان به مناطق غربی، سپس به جنوب کشور اعزام شد و تمام هشت سال را در جبهه بود. او طی این مدت، سمت فرماندهی دسته، فرماندهی گروهان و فرماندهی اطلاعات عملیات گردان را داشته است.

● کتابی از دل یک دیدار

وقتی نویسنده باشی، هر چیزی، جرقه‌ای است برای یک نوشتار جدید. درست مثل سرهنگ قاسم کریمی که بعد از دیدار با یک دوست قدیمی و دیدن دفتر خاطراتش، تصمیم گرفت آن را تبدیل به کتاب کند و نتیجه‌اش شد نوشتار کتاب «سنگر نوک» که همین چند روز پیش منتشر شد. او که در زمان جنگ دوبار مجروح شده و

دختر ورزشکار محله ولیعصر (عج) قهرمان مسابقات کشوری کاراته است

زینب و ۲۰ مدال قهرمانی

امید محله

● چه چیز تو را تا این حد مشتاق

حضور در باشگاه کرده است؟

اینکه الان مربی هنر جوهای تازه‌وارد هستم. از زمانی که کمر بند آبی می‌بستم، مربیگری را شروع کردم. استاد فریده فرهانی خیلی به من روحیه می‌داد و این وظیفه را به من سپرد. به همین دلیل بمب‌رو حیه هستم و در باشگاه احساس خوبی دارم.

● چرا برخی افراد فکر می‌کنند ورزش کاراته برای

بانوان مناسب نیست؟

چون در کاراته ضربات سنگین و مستقیم به بدن بانوان وارد می‌شود، برخی تصور می‌کنند بدن خانم‌ها تحمل این ضربات را ندارد و باعث آسیب‌های جدی به آن‌ها می‌شود.

● نظر خودت چیست؟

ورزش کاراته در خانم‌ها اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و برخلاف ظاهر خشن این ورزش، جوانمردی، ادب، نظم و احترام به بزرگ‌تر را به آن‌ها می‌آموزد.

● تعداد مدال‌هایت ۲۰ است؛ درس‌هایت چطور؟

درسم هم خوب است؛ همه نمره‌هایم ۲۰ نیست ولی برای خانواده من اولویت درس و مشق است. به طوری که به من گفته‌اند اگر درسم افت کند، باید بی خیال باشگاه و ورزش شوم.

● برنامه‌ات برای آینده تحصیل و ورزش چیست؟

می‌خواهم درسم را در رشته تربیت بدنی ادامه دهم و در ورزش هم دوست دارم مربی کاراته شوم و دخترهای محله مان را آموزش دهم.

● در خانه ورزشکار دیگری هم دارید؟

راستش نه؛ پدر و مادر و دو برادر بزرگ‌تر از خودم شاغل هستند و یک خواهر کوچک‌تر دارم که محصل است. فقط من ورزشکار شدم.

● سخت‌ترین چالشی

که در کاراته با آن روبه‌رو

شدی، چه بوده است؟

در این ورزش باید تمرینات مداوم داشته باشی، حداقل روزی سه ساعت. من علاوه بر باشگاه در خانه هم تمرین می‌کنم که آمادگی جسمانی خوبی برای مسابقات داشته باشم.



رضاری‌ای در دل یک خانواده شش نفره، زینب با منش‌هایی پراز امید و اراده، راهی متفاوت و پرچالش را انتخاب کرده است. زینب تقدم که با خانواده‌اش در محله ولیعصر (عج) زندگی می‌کند، در هفت سال زندگی ورزشی و مبارزه، بیست مدال رنگارنگ استانی و کشوری کسب کرده است. خاطرات شیرین و سخت او در این مسیر، گواهی بر عزم راسخ او در جهانی دارد که زنان ورزشکار باید دیده شوند. زینب نه تنها قهرمان مدال‌ها، که قهرمان اراده و پشتکار است.

● اولین بار کی با کاراته آشنا شدی؟

نزدیک خانه مان باشگاه رزمی قرار دارد. برادر بزرگم به پدرم توصیه کرد که من را در باشگاه ثبت نام کنند. من هم خیلی به ورزش رزمی علاقه داشتم و از هفت سالگی در این باشگاه ثبت نام کردم.

● در این سال‌ها کدام رقابت بیشتر در ذهنت

مانده است؟

من در طول این سال‌ها بیست مدال کسب کردم که نوزده مدال استانی بوده و یک مدال طلای کشوری. آن یک مدال هم برمی‌گردد به رقابت‌های کاراته بانوان کشوری سال گذشته که با شکست رقیبان، مدال طلا را به دست آوردم.

۹



برای پیوستن به کانال شهرآرامحله منطقه ۹ و ۱۰ در تلگرام کلیک کنید

رازی، استادیوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، اینترگران، امام‌هادی (ع)، خاتم‌الانبیاء (ص)، میثاق

محلات منطقه‌ها

نوفل لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیروهای، آب‌وپرق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گلدیس، ولی عصر (عج)

محله استادیوسفی

حجت‌الاسلام محمد مرداتی نماینده مساجد	حامد حلیمی نماینده اینترگران و رئیس شورا
ملیحه سرحدی نماینده بهداشت	محمد موحدی نژاد نماینده ساکنان و نایب رئیس شورا
داوود عزیزی نماینده مدارس	حسین سراقی نوغانی نماینده پیشگیری از وقوع جرم
مهدی روشناس نماینده کسبه	محمد رستگار مقدم نماینده تشکل‌های مردمی
مهدی ابراهیمی نماینده جوانان	فاطمه کیا نماینده بانوان
سید مهدی سیدی نماینده هویتی	زهرابخشی نماینده ساکنان
علیرضا غریبی نماینده کلانتری	علی اکبر محمودی نماینده بسیج

محمد باقر عظیمی نماینده ساکنان و رئیس شورا	حجت‌الاسلام مجتبی آریانی نماینده مساجد
محمد صادق بصیرنیا نماینده هویتی و نایب رئیس شورا	احمد اکبریان نماینده بهداشت
بهمن محتشمی نماینده پیشگیری از وقوع جرم	سیدرسول حیدری نماینده تشکل‌های مردمی
نرگس صدیقی نماینده بانوان	علی نکوئی نماینده جوانان
سید محمد جواد انوشه نماینده ساکنان	محمد یزدان دوست نماینده ساکنان
مصطفی اکبری نماینده هویتی	علیرضا غریبی نماینده کلانتری
مصطفی رمضان‌پور نماینده اینترگران	

محله امامیه

معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات

استادیوسفی، امامیه، رسالت و شاهد

مصطفی کریمی دبیر شورای اجتماعی محلات منطقه ۱۰	
حجت‌الاسلام محمد رضا مصباح نماینده مساجد	رضا عابدی گناباد نماینده اقشار خاص و رئیس شورا
سید حمید موسوی نماینده بهداشت	امیر حسین بهدانی نماینده جوانان و نایب رئیس شورا
محمد علی گلباف‌کرمانی نماینده تشکل‌های مردمی	بهمن محتشمی نماینده پیشگیری از وقوع جرم
مریم قهرمانی نماینده بانوان	جواد برجسته نماینده کسبه
ابوالفضل داورزنی نماینده ساکنان	حبیب‌ا... مجدی نماینده اینترگران
مقداد پرتوی نماینده هویتی	غلامرضا نادمی نماینده ساکنان
سروش نیکنام نماینده پایگاه‌های بسیج	شیدا حیدری نماینده هویتی
علیرضا غریبی نماینده کلانتری	

محله رسالت

حمید قاسمی رئیس شورا	حجت‌الاسلام هادی اعلی‌ایرده نماینده مساجد
سید علی حسینی نماینده جوانان و نایب رئیس شورا	مسعود درجی نماینده بهداشت
بهروز تقی‌زاده نماینده مدارس	محمد زیوری نماینده تشکل‌های مردمی
علی برخوردار نماینده کسبه	صدیقه غفاری دوست نماینده بانوان
محمد غلام‌پور نماینده اینترگران	هادی سلطانی نماینده ساکنان
محمد برات‌پور نماینده ساکنان	عباسعلی براتی نماینده هویتی
سلیمان حاجی میرزاجان نماینده اقشار خاص	

محله شاهد